

شرکت سهامی بانک غیر ربوی

و بازبینی ماهیت ربوی و غیر ربوی عملیات بانکی متداول

عبدالرضا هرسینی^۲

دکتر بیژن بیدآباد^۱

چکیده

در این مقاله با استناد به تعریف مشخصی که از ربا در بررسی‌های گذشته ارائه گردید ماهیت عملیات بانکی متداول را بررسی می‌نمائیم. عملیات سپرده‌گذاری، تسهیلات دهی، خرید و فروش اسعار خارجی و اوراق و اسناد بهادار و فلزات گرانبها، دریافت و پرداخت حوالجات و عملیات اعتباری از جمله عناوین کلی است که طبیعت ربوی یا غیر ربوی بودن آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

براساس تعریف دقیق ربا، عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید و فروش دین و ربح مرکبی که ناشی از اخذ بهره بر بهره به دلیل عدم توانائی مدیون در تأدیه دین است وارد در حریم ربا هستند. مشخصاً اعطای تسهیلات از طریق عقود وام نیک (وام بدون بهره)، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مضاربه، معاملات سلف، جعاله، مزارعه، مساقات و اجاره با رعایت شرایط خاص از حریم ربا خارج می‌گردند. در همه این عقود به استثنای وام نیک که بهره ندارد و اجاره که نرخ مال الاجاره از قبل تعیین می‌شود نباید نرخ بهره از پیش تعیین و شرط شود در غیر این صورت ربوی می‌گردند.

عملیات خرید و فروش اسعار خارجی در معاملات نقدی (Spot) (تبدیل اسعار خارجی به یکدیگر)، معاملات تعویضی (Swap) (به شرط اینکه نرخ بهره در محاسبه نرخ تبدیل بکار گرفته نشود)، اوراق اختیار معامله (Option) (به شرط اینکه نرخ بهره در مورد دو ارز مورد نظر یکسان باشد)، گشایش اعتبار اسنادی (Letter of Credit) قابل قبول و غیر ربوی است. ولی عملیات ارزی معاملات آتی یا وعده‌دار (Future)، معاملات تعویضی (Swap)، اوراق اختیار معامله (Option)، گواهی سپرده ارزی (Certificate of Deposit) در حریم ربا واردند.

خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار و معاملات صرف و دریافت و پرداخت حوالجات و عملیات اعتباری بانکی مورد بررسی قرار می‌گیرد و ویژگی‌های هر یک در ورود به حریم ربا تحلیل و ارزیابی می‌شوند. شرکت سهامی بانک غیر ربوی براساس ملاحظات فوق و تعریف ربا به عنوان یک بنگاه اقتصادی پیشنهاد می‌شود که سپرده‌گذاران سهامداران بانک هستند. این بانک توانائی عملیات غیر ربوی را داشته و با توزیع سود سهام متناسب و عادلانه بین سهام‌داران و رفع تمایزات بین سپرده‌های مختلف از لحاظ دریافت سود و افزایش شفافیت و کارائی عملیات بانکی با تنزل تعداد نرخ‌های سود سپرده‌ها (سهام) و افزایش مشارکت اقتصادی شبکه بانکی در فعالیتهای اقتصادی و قابلیت مشارکت هر شخصیت حقیقی یا حقوقی اعم از دولت یا بخش خصوصی، کارائی زیادی در واسطه‌گری مالی و تجهیز و تخصیص منابع را خواهد داشت. تأسیس بورس مالی قابل تطبیق با این بانک نیز از اهم موارد قابل توجه است که اعطای تسهیلات را در قالب عقود غیر ربوی برای بانک مزبور تسهیل نماید.

۱- عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی <http://www.bidabad.com> bijan@bidabad.com

۲- کارشناس پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.

مقدمه

ملاحظات ربا همواره یکی از نکات اساسی در ایجاد تمایز بین بانکداری در یک نظام اسلامی و بانکداری در سایر نظام‌ها بوده است.^۳ بررسی تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی نیز همگی دلالت بر حرمت ربا دارند و همگی متفق‌القول هستند که ربا حرمت دارد ولی در اینکه ربا چیست اختلاف فراوان است. این موضوع خود دلیلی است که ما نباید کلمه اسلامی را در عقب واژه نظام قرار دهیم و با مسلمان و اسلامی شمردن خود و نظام خود باقی پیروان ادیان جهان را- که همه آنها هم مثل ما مسلمانند - غیرمسلم و غیراسلامی بدانیم و بانکداری آنها را ربوی خوانیم. فقط اگر آراء فقهای که خرید و فروش اسکناس را با معدود شمردن آن جایز می‌دانند قبول نماییم هیچ بانکداری در عالم ربوی نخواهد بود. این آراء آنقدر زیاد هم هست که سرفصل جدیدی را در این باب در فقه باز کرده است.^۴ از طرف دیگر باید اذعان داشت که فقه و شریعت ما نوع متکاملی از دین موسی علیه‌السلام است و بسیاری از موارد فقهی در قرآن ذکر نشده ولی در فقه آمده است مثلاً رجم یا سنگسار کردن در قرآن نیامده ولی در تورات آمده و از آنجا اخذ شده است.^۵ به طور کلی شریعت محمد (ص) در تکمیل شریعت انبیاء سلف بوده و مستقل نیست بلکه حتی جدال حضرت با عالم نمایان دین یهود بر این بوده که همواره شما بدون استناد به تورات احکام شریعت را بیان می‌دارید و این خلاف است و در

۳- گرچه این تمایز علی‌الوصول اشتباه است زیرا اسلام به معنی تسلیم امر نبی یا ولی یا وصی بودن است و گرنه پیروان همه انبیاء و اولیاء و اوصیا علیهم السلام همگی مسلمان هستند بلکه غیر از اسلام دینی در عالم نیست و فرمود: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۸۵) به این معنی که هر کس غیر از تسلیم (امر) شدن روش دیگری را گزیند پس هرگز از او قبول نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است. به بیان دیگر، در آیه قبل از این آیه می‌فرماید: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالتَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ وَ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» یعنی بگو ما به خداوند و آنچه بر ما نازل شد و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از پروردگارشان داده شده ایمان داریم و هیچ فرقی بین هیچکدام آنها نمی‌گذاریم و ما تسلیم شدگان به امر او هستیم. به عبارت دیگر کلیه ادیان ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطهای (یعقوب) و موسی و عیسی و سایر پیامبران همه اسلام بوده و هرکس در زمان خود تسلیم امر آنها یا صاحبان اجازه از طرف آنها شده باشد مسلمان است. در آیه قبل از این دو آیه موضوع کلی‌تری را می‌فرماید: «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» یعنی آیا جز دین خدا را می‌گیرند؟ هرکس در آسمان‌ها و زمین است چه بخواهد و چه نخواهد مسلمان است و به سوی او باز می‌گردد. دقت در مفاهیم آیات فوق این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که پس علت این همه جنگ‌های دینی و مذهبی چیست؟ ما همه مردم کره زمین بر اساس آیات فوق در نحله اسلام قرار داریم و اگر مرحله بیعت و به تسلیم اولی‌الامر رسیدیم در اسلام خاص و یا اسلام تشریعی یا تکلیفی قرار خواهیم گرفت.

۴- در این باب نگاه کنید به بیدآباد، بیژن و عبدالرضا هرسینی (۱۳۸۲) تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۵- در انجیل یوحنا آمده است که عیسی ع در جمع مریدانش ننشسته بود. گروهی، زنی را که مرتکب گناه شده بود آوردند. در تورات حکم آن گناه رجم بود. عیسی ع به آنان فرمود: هرکس از شما گناهکار نیست، حکم را اجرا کند. همه رفتند، عیسی ع ماند و آن زن. عیسی ع به آن زن فرمود: کسی علیه تو فتوایی ندارد؟ زن گفت: نه. پس فرمود: بنابراین من هم بر تو فتوایی ندارم، برو و دیگر مرتکب گناه مشو. در انجیل دیگر آمده است که عیسی ع فرموده: آمده‌ام تا احکام تورات را در میان مردم زنده کنم. گمان نکنید که آمده‌ام تا تورات و صحف انبیاء را از میان بردارم و یا از کار اندازم و باطل سازم، بلکه آمده‌ام تا آنها را در جامعه رواج دهم.

همچنین نگاه کنید به تفاسیر مجمع البیان و نمونه در ذیل آیه ۲۳ سوره مائده.

این باب می‌فرماید: «فَاتُّوا بِالتَّوْرَاتِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۶ یعنی اگر راست می‌گوئید تورات را بیاورید و بخوانید (تا ببینید که حرف‌های شما بی‌اساس است و با تورات مطابقت ندارد) پس هرکس بعد از این بر خدا افترا بندد (یعنی کلامی خلاف امر خداوند در تورات بگوید) ظالم است و (ای پیغمبر) بگو خدا راست گفت پس از آیین ابراهیم حنیف (که در تورات آمده و پیامبران سلف بر آن بوده‌اند و من هم بر آن رویه‌ام) پیروی کنید و از مشرکین نباشید.^۷

با نگاهی گذرا به ابواب فقه بسیاری از مسایل عبادات، فرائض، حدود، احکام و غیره در تمامی ادیان مشترک می‌باشد. زیرا انبیاء با امضا احکام قبل یا تاسیس احکام جدید اقدام به طرح راه حل متناسب با عصر خود نموده‌اند. اصولاً احکام به دو دسته تأسیسی و امضائی تقسیم می‌شوند. احکامی تأسیسی به علت تغییر مقتضیات زمانی یا مکانی توسط پیامبر عصر ابداع می‌شود و احکام امضایی احکام پیامبران سلف است که پیامبر بعدی آن را تأیید می‌نماید. اشاره در اینجا به احکام امضائی است. مثل آیات: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ»^۸ و «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ»^۹. نقل شده است: «... اعطى محمداً (ص) شرايع نوح و ابراهيم و موسى و عيسى عليهم السلام التوحيد و الاخلاص و خلع الانداد و الفطره و الحنيفه المسحه...» در بیان شریعت حضرت ختمی مرتبت می‌فرمایند:^{۱۱} « چون انبیا سلف نسبت به جناب ختمی مآب (ص) ناقص و شریعت و منهج آنها نسبت به شریعت و منهج آن بزرگواران ناتمام بود هر یک به اقتضای وقت خداوند برای آنها شریعتی و منهجی قرار داد و شریعت هر یک غیر دیگری و طریقت هر یک و آداب سلوک آنها جدا از سابق و لاحق می‌بود و از این جهت بود که نبی لاحق نسخ می‌کرد شریعت سابق را و تغییر می‌داد آداب سلوک آن سابق را، تا رسید مرتبه به خاتم الانبیا که مقام آن حضرت مقام اطلاق بود...». در ادامه با استناد به روایتی از جناب صادق (ع) در پاسخ به پرسشی در مورد پیامبران اولوالعزم می‌نویسند: «... نوح مبعوث شد به کتابی و شریعتی و هرکس بعد از نوح آمد کتاب نوح را گرفت و شریعت و منهج او را تا اینکه حضرت ابراهیم آورد صحف را عازم شدن بر ترک کتاب نوح را، نه از جهت کفر و کفران به کتاب نوح...».

به هر حال این توضیحات همه در جهت شرح این موضوع بود که تا وقتی ربا تشخیص داده نشود مشاجره بر سر بانکداری اسلامی و غیراسلامی اتلاف وقت است. بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) با طرح مبعث ربا و تحقیق در این باب و دقت در اصل حکمت در اصول فقه که شریعت شارع را مبتنی بر قواعد عقلی مستحکم می‌داند محدوده ربا را مطرح می‌نمایند. موارد مطرح شده در آن مقاله به نظر بسیاری می‌تواند به عنوان فصل

۶- سوره آل عمران، آیه ۹۳.

۷- سوره آل عمران آیات ۹۵-۹۴. «فَمَنْ إِفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

۸- سوره بقره، آیه ۱۸۳. روزه را برا ی شما مقرر کردیم همانطور که برای کسانی که قبل از شما بودند مقرر نمودیم.

۹- سوره نساء، آیه ۱۶۳. (ای محمد) همانا به تو وحی کردیم همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم.

۱۰- مجمع السعادات تالیف حضرت حاج ملاسلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه به حدیث مروی از جناب صادق ع از کتاب ایمان و کفر کافی. انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران.

۱۱- مجمع السعادات تالیف حضرت حاج ملاسلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران.

ختم مشاجرات فقهی در این باب باشد. اگر نظرات مطرح شده در آن مقاله را بپذیریم تمییز عملیات ربوی و غیرربوی با چهار ملاحظه زیر در عملیات بانکی قابل جمع بندی است.

اول: وام دهنده در سود و زیان فعالیت اقتصادی وام گیرنده سهیم باشد.

دوم: نرخ دریافت مازاد (بهره) نباید از پیش مشخص و شرط شود.

سوم: گرفتن بهره در قرض های مصرفی ربا است.

چهارم: خرید و فروش ارز به معنی تبدیل پول داخلی به اسعار خارجی ربا نیست.

با توجه به موارد فوق سعی می کنیم بانکی را طراحی و تعریف کنیم که ماهیت ربوی نداشته باشد. قبل از شروع این بحث به ماهیت عملیات بانکی متداول می پردازیم.

ماهیت عملیات بانکی متداول

بانک از لحاظ عملیات بانکی وظایف مختلفی را به عهده دارد این وظایف می تواند از زمره موارد زیر باشد^{۱۲}:

- ۱- سپرده گذاری.
- ۲- تسهیلات دهی.
- ۳- خرید و فروش اسعار خارجی.
- ۴- خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار.
- ۵- خرید و فروش طلا و نقره و فلزات بهادار.
- ۶- دریافت و پرداخت حوالجات.
- ۷- عملیات اعتباری.

۱- سپرده گذاری

بانک با دریافت سپرده از مردم یا بانکها و همچنین با نهادن سپرده خود نزد بانکهای دیگر اقدام به مجموعه ای از فعالیت های مالی می کند. کلیه این فعالیتها را در این سرفصل بررسی می کنیم. همان طور که به طور خلاصه در مصادیق ربا گفته شد اگر نرخ بهره توسط مدیون مشخص شود سپرده گذاری و دریافت مازاد مشروع می باشد. به عبارت دیگر سپرده گذار از قبل نرخ بهره ای را برای سپرده گیرنده، شرط ننماید.

در نظام بانکداری فعلی برای گریز از مشخص و شرط کردن نرخ بهره در سپرده گذاری به یک حيله شرعی توسل می جویند که همان طور که در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) مفصلاً بحث شد این نوع حيله های شرعی نوعی کلاه گذاردن سر خداوند است. نحوه عمل در سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلندمدت به این شکل است که نرخ بهره به عنوان نرخ سود علی الحساب از طرف بانک اعلام می شود و در پایان سال غالباً رقمی زیر یک درصد به این نرخ افزوده و بهره سپرده های مزبور را پرداخت و تسویه حساب قطعی می نمایند.

۱۲- مسائل بسیار زیاد دیگری در بانکداری فعلی مشاهده می شود که بسیار مهم است. ولی با توجه به اینکه در حاشیه مباحث این مقاله قرار می گیرند از آنها صرف نظر می کنیم. علاقمندان می توانند به میثم موسایی (۱۳۷۹) بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مراجعه نمایند.

همان طور که در مقاله فوق‌الذکر به آن اشاره شد دو قاعده کلی «الاعمال بالینات»^{۱۳} و «العقود تابعة للقصد»^{۱۴} به وضوح این عمل را حيله شرعی قلمداد می‌کند.

در سپرده‌گذاری‌های مشهور به قرض‌الحسنه و پس‌انداز در پایان دوره جوائزی به صورت تصادفی به صاحبان سپرده‌ها پرداخت می‌شود. گرچه چون در این روش نرخ بهره از قبل مشخص و شرط نمی‌شود ولی اگر ارزش میزان جوائز بانک نسبت به سپرده‌های قرض‌الحسنه کمتر از نرخ بهره لازم برای پرداخت باشد عملاً در مجموع به سپرده‌گذار اجحاف شده و اگر کمتر باشد به منابع مالی بانک زیان رسانیده. حال حتی فرض کنیم نرخ جایزه‌ای که بانک به صاحبان سپرده‌های قرض‌الحسنه پرداخت می‌کند مساوی نرخ بهره‌ای باشد که قاعداً بایست پرداخت می‌کرد - در باب این نرخ که چه باید باشد بعداً بحث خواهیم کرد - نرخ بهره‌ای که از لحاظ ریاضی برای هر سپرده‌گذار به تنهایی صدق می‌کند برابر امید ریاضی نرخ جایزه است. به عبارت دیگر دریافت جایزه به دلیل قرعه‌کشی از یک تابع توزیع احتمال پیروی می‌کند که این تابع توزیع هر چند هم از نوع یکنواخت^{۱۵} طراحی شود باز دریافت جایزه هر فرد متفاوت از دیگری می‌تواند باشد. وقوع این پدیده به معنی عدم عدالت است. یعنی دو نفر مساوی هم و در مدت زمان مساوی وجهی مساوی را در بانک سپرده می‌گذارند ولی دریافتی آنها از بابت جایزه یکسان نیست. با این استدلال می‌توان گفت این نوع سپرده‌گذاری و پرداخت جایزه به این نحو غیرعادلانه است و براساس کبرای کلی «كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلَ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ»^{۱۶} و تلازم بین کلمه عقل و شرع که از مباحث اصلی در اصول فقه می‌باشد می‌توان صغرای منطقی آن یعنی غیرعادلانه بودن سپرده‌های قرض‌الحسنه و نامشروعیت آن را ابراز داشت.

انواع سپرده‌گذاری‌های قرض‌الحسنه جاری که با اعطای دسته چک یا کارت الکترونیک یا هرگونه وسیله صدور حواله و برداشت از حساب به سپرده‌گذار؛ بانک منابع مالی فرد را در اختیار او می‌گذارد چنانچه پرداخت‌های بهره‌ای صورت نگیرد اشکال فقهی در آن نمی‌توان یافت. ولی در حال حاضر برخی از انواع سپرده‌گذاری‌های جاری قرض‌الحسنه‌ای مشاهده می‌شود که شامل دریافت سود (بهره) علی‌الحساب می‌باشند که مصداق سپرده‌های سرمایه‌گذاری را پیدا می‌کند که درباره آن قبلاً گفتگو شد.

باید به این موضوع اشاره کرد که کارمزد نمی‌تواند جای بهره را بگیرد و این حيله شرعی نیز نباید جایگزین بهره گردد. کارمزد علی‌القاعده نباید با تغییر میزان اسمی پول تغییر یابد. به عبارت دیگر بانک با ارائه یک خدمت اقدام به فروش آن خدمت می‌کند و این فروش خدمت نباید ارتباطی با رقم اسمی موضوع خدمت داشته باشد. برای مثال عمل دریافت و پرداخت یا حواله پول به بانک دیگر از لحاظ هزینه‌ای که برای بانک ایجاد می‌کند برای رقم‌های دریافت یا پرداخت حواله یکسان است. نقض این موضوع در زمانی قابل قبول است که بانک مستدلاً دلایلی مبنی بر این موضوع داشته باشد که مثلاً حواله پول بیشتر هزینه بیشتری را برای بانک ایجاد می‌نماید.^{۱۷}

۱۳- اصالت عمل به نیت عامل است.

۱۴- عقدها تابع قصدهای آنان است.

15- Uniform Distribution Function

۱۶- بر چیزی که عقل حکم کند بی‌تردید شرع نیز حکم خواهد کرد.

۱۷- ارائه خدماتی نظیر بیمه وجوه، مجزا از کارمزد است زیرا مخاطرات تأثیرگذار بر وجوه مالی بر میزان مبلغ اسمی آن وارد می‌شود.

سپرده‌گذاری بانک نزد بانک دیگر نیز شامل موارد مذکور در فوق می‌باشد بلکه شدت و حدت آن بیشتر است. چون علی‌القاعده می‌بایست تمام ریز پرداخت‌های بهره‌ای از قبل طی قراردادهایی شرط شود که به محکم‌تر کردن شرط پرداخت بهره با نرخ مشخص نیز کمک می‌کند.

۲- تسهیلات‌دهی

اهم عملیات بانکی اعطای تسهیلات یا پرداخت وام می‌باشد. علی‌القاعده بر اساس تعاریفی که از مصادیق اطلاق ربا بر اخذ مازاد شد تسهیلات اعطایی بانک‌ها را می‌توان در دو طبقه مهم وام‌های مصرفی و وام‌های سرمایه‌گذاری طبقه‌بندی نمود. براساس استنتاجات انجام شده در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) این نتیجه‌گیری به وضوح بیان گردید که وام‌های مصرفی همگی مشمول ربا می‌شوند و علی‌الاصول بانکداری اسلامی نباید مرتکب اعطای وام مصرفی در قبل اخذ مازاد شود. آیین‌نامه‌های قانون بانکداری بدون ربا نیز در باب اعطای وام‌های قرض‌الحسنه به جزئیات این موضوع را ملحوظ دارد که پرداخت وام قرض‌الحسنه برای دفع احتیاجات افراد شامل هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها می‌شود.^{۱۸}

نکته قابل توجه در باب وام‌های مصرفی در این است که اگر هیچگونه مازادی از بابت این‌گونه وام‌ها دریافت نشود بانک دچار زیان می‌گردد و با افزایش فعالیتش زیان انباشته‌اش فزونی خواهد یافت. در رفع این معضل دو راه می‌توان در نظر گرفت. اول اینکه بانک در قبال پرداخت وام‌های مصرفی کارمزد- با مشخصه‌ای که برای کارمزد ذکر شد- دریافت نماید و دوم اینکه منبع مستقلی نظیر دولت منابع مشخصی را برای جبران زیان بانک در نظر گیرد. منابع اینگونه پرداخت‌ها - جهت رفع زیان بانک ناشی از ارائه خدمات وام مصرفی- برای حکومت اسلامی می‌تواند از محل دریافت وجوه شرعی باشد که در موارد مشخصی نیز قابل هزینه است.^{۱۹}

در مورد وام‌های سرمایه‌گذاری وجود دو شرط، شراکت در سود و زیان فعالیت، و عدم شرط کردن نرخ مازاد اساسی‌ترین وجه تمایز معاملات مالی ربوی و غیرربوی است.

بر اساس شیوه‌های فعلی بانکداری؛ اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی صورت می‌گیرد. این عقود در کتب فقهی به طور مشروح آمده است و در اینجا فقط مروری بر آنها خواهیم داشت. آیین‌نامه اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا^{۲۰} خصوصیات این عقود را در عملیات بانکی بدون ربا مشخص می‌نماید.

تسهیلات قرض‌الحسنه

یکی از روش‌هایی که در عملیات بانکی بدون ربا به عنوان روش اعطای تسهیلات در نظر گرفته شده قرض‌الحسنه است. از لحاظ آیین‌نامه عملیات بانکداری بدون ربا «قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن

۱۸- بند ج ماده ۳ دستورالعمل اجرایی قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها.

۱۹- نگاه کنید به تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۶. ترجمه محمد رضاخانی و حشمت الله ریاضی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در ذیل آیه ۶ سوره توبه و آیه ۴۱ سوره انفال.

۲۰- مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، مرتضی‌والی‌نژاد (۱۳۸۱)، پژوهشکده پولی و بانکی صفحات ۲۳۵-۱۷۷.

قرض‌دهنده مقدار معینی از مال خود را به قرض‌گیرنده تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل و یا در صورت امکان قیمت آن را به قرض‌دهنده رد نماید». قرض در لغت به بریدن، قطع کردن یا قیچی کردن معنی شده و در اصطلاح فقهی آن قطع بخشی از مایملک است. فقها قرض‌الحسنه را در قبال برگشت اصل مال مصطلح می‌دانند ولی از بررسی آیات قرآن اینگونه استنباط می‌شود که قرض‌الحسنه پرداخت بلاعوض و بدون برگشت است. در آیات متعددی در قرآن کریم قرض‌الحسنه ذکر شده است که همه این آیات پشت سر آياتی هستند که در مورد انفاق، صدقه یا زکات یا قتال تکلیف می‌کنند و به صحت می‌توان این تفسیر را نمود که قرض‌الحسنه همان پرداخت‌های بلاعوض از مال یا جان می‌باشد که به معنی لغوی قرض مال یا جان (بریدن و قطع کردن مال از خود) با صرف نظر کردن از بدن خود در قتال در راه خدا است که حسنه آن در آن مندمج است؛ می‌باشد. در آیات ۲۴۴-۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: در راه خدا قتال کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (به) کسی که به خدا قرض دهد قرض‌حسنة پس به چند برابر بر او اضافه خواهد شد و خداوند است که تنگنا یا فراخی دهنده است.^{۲۱} در آیه ۱۲ سوره مائده نیز می‌فرماید: خداوند گفت اگر نماز بپا دارید و زکات دهید و به رسولان من ایمان آورید و یاری آنها نمایند و قرض‌های حسنه به خداوند قرض دهید محققاً من با شما خواهم بود.^{۲۲} در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره حدید می‌فرماید: شما را چه می‌شود که در راه خداوند انفاق نمی‌کنید (در حالی که) میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است و کسی که از شما قبل از فتح انفاق و قتال کرد مساوی نیست، آنها از درجه برتری نسبت به کسانی که بعداً انفاق و قتال کردند برخوردارند و خداوند به هر دوی آنها نیکویی وعده کرده و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است. کیست به خداوند قرضی حسنه دهد پس بر او به چند برابر اضافه خواهد شد و برای او پاداشی بزرگ خواهد بود.^{۲۳} در آیه ۱۸ همین سوره می‌فرماید: همانا مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنها که به خداوند قرض نیکویی قرض می‌دهند دو برابر برای آنها خواهد شد و برای آنها پاداش بزرگی است.^{۲۴} در آیه ۲۰ سوره مزمل می‌فرماید: و نماز بپا دارید و زکات دهید و قرض دهید به خدا قرضی حسنه و آنچه خوبی نزد خدا کنید پیشتر نسبت به خودتان می‌کنید و آن خوبی و پاداش برتری است.^{۲۵}

به هر حال با این وصف کلمه قرض‌الحسنه را از لحاظ قرآنی می‌توان به معنای ایثار مال و جان تفسیر نمود و به نظر نمی‌رسد که خیلی منوط به مسمای وام باشد. شاید استعمال کلمه «وام نیک» در عبارات آن کمتر آسیب تشریحی به فقه وارد آورد. به هر حال این نوع اعطای وام تحت عنوان هر اسمی از لحاظ بانکی همانطور که در اعداد منابع مالی بانک ذکر شد از لحاظ اقتصادی می‌تواند بانک را دچار زیان کند زیرا نه تنها سودی برای بانک ندارد بلکه زمان و منابع مالی بانک را نیز صرف می‌نماید که علی‌القاعده هزینه‌بر است.

^{۲۱} - «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مِّنْ ذَٰلِكَ يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَسْطُرُ».

^{۲۲} - «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَرْتُمْهُمْ وَ آقَرَضْتُمْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا».

^{۲۳} - «وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَتَلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَ قَاتَلُوا وَ كَلَّا وَ عَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَى وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ* مِّنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ».

^{۲۴} - «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَ الْمُصَدَّقَاتِ وَ آقَرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ».

^{۲۵} - «وَ آقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ آقَرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا».

مشارکت مدنی

مشارکت مدنی عقدی است که از درآمیختن سهم‌الشرکه دو شخص به نحو مشاع به منظور انتفاع و طبق شروط قبلی و قرارداد حاصل می‌شود. چنانچه یکی از طرفین این عقد بانک باشد این عقد بانک را به مثابه بانک سرمایه‌گذار تبدیل می‌نماید نتیجتاً با توجه به موارد مطرح شده در مورد ربا از حریم ربا خارج می‌گردد. شرط این عقد این است که به هیچ وجه نرخ بازده انتظاری شریک یا شراکت از قبل مشخص نشود.

مشارکت حقوقی

این عقد به معنای تأمین بخشی از سرمایه شرکت‌های سهامی اعم از تأسیس آنها یا مشارکت در خرید سهام صادره قبلی شرکت‌های سهامی می‌باشد. این مشارکت بر مبنای ملاحظات ربا غیرربوی است و بانک را به بانک سرمایه‌گذار تبدیل می‌کند.

سرمایه‌گذاری مستقیم

تأمین سرمایه لازم جهت اجرای پروژه‌های اقتصادی توسط بانک سرمایه‌گذاری مستقیم نامیده می‌شود. همانطور که گفته شد بانک در این عقد به عنوان بانک سرمایه‌گذار است و ماهیت عملیات غیرربوی می‌باشد.

مضاربه

در عقد مضاربه بانک عهده‌دار تأمین مالی سرمایه می‌شود و طرف دیگر با آن منابع اقدام به تجارت نموده و سود حاصله به نسبتی معین بین مالک (بانک) و عامل تسهیم می‌شود. این عقد در صورت عدم تعیین و شرط نکردن نرخ سود از قبل ماهیت غیرربوی می‌یابد. این ملاحظه را باید در نظر داشت که در صورتی که عامل دچار زیان شود مالک نیز علی‌القاعده باید سهم خود از زیان را عهده‌دار شود. البته این تعهد در همه عقود غیرربوی التزام دارد و لازم‌الرعايه می‌باشد.

معاملات سلف

پیش‌خرید نقدی کالاها به قیمت معین معامله سلف خوانده می‌شود. برای این عقد تولیدکننده می‌تواند کسری منابع مالی خود را با فروش کالای تولیدی آینده خود در قبل از پایان فرآیند تولید تأمین نماید. علی‌رغم اینکه فقها این معامله را غیرربوی می‌دانند ولی به نظر می‌رسد که خلاف آن باشد و معاملات سلف به دلیل اینکه قیمت کالا در تاریخ پایان دوره از قبل مشخص می‌شود وارد حریم ربا می‌گردد. زیرا با این کار نرخ بهره را می‌توان دقیقاً در تاریخ قرارداد محاسبه نمود هرچند که اشاره‌ای به نرخ بهره یا مازاد نشود. برای مثال فردی در ابتدای سال تعداد q واحد کالای تولیدی در پایان سال خود را با قیمت p به بانک می‌فروشد و مبلغ R ریال دریافت می‌دارد که مسلماً $R < pq$ است در غیر این صورت بانک از انجام این معامله سودی نخواهد داشت و فقط متحمل هزینه می‌شود. بر این اساس نرخ بهره این قرارداد برابر رقم زیر خواهد بود:

$$r = \frac{R - pq}{R} \times 100$$

با توجه به اینکه بانک در سود و زیان این معامله سهیم نیست معامله ربوی خواهد بود. حال اگر قیمت فروش کالا معین و شرط نشود معامله غیرربوی خواهد شد. پس لزوماً برای اینکه معاملات سلف ماهیت غیرربوی داشته باشند باید قیمت کالایی که بانک قصد خرید و تحویل آن را در پایان دوره دارد در قرارداد شرط نشود. البته که بانک محق است پیش بینی لازم برای قیمت آن کالا را در بررسی‌های خود ملحوظ دارد ولی حق تعیین کردن آن در قرارداد را ندارد.

فروش اقساطی

فروش اقساطی واگذاری عین به بهای معلوم به غیر می‌باشد بطوریکه بهای کالا در سررسیدهای معین دریافت گردد. در این عقد نیز شبهه ربا وجود دارد. برای مثال فرض کنید بانک ماشین‌آلات مورد نیاز یک تولیدکننده به ارزش v ریال را خریداری و در اختیار تولیدکننده‌ای قرار می‌دهد تا تولید کننده در m قسط مبالغ v_1, \dots, v_m را به بانک مسترد نماید. اگر

$$v = \sum_{i=1}^m v_i$$

باشد یعنی سرجمع اقساط مساوی ارزش ماشین‌آلات خریداری شده باشد بانک از انجام این عمل سودی نخواهد برد و فقط متحمل هزینه خواهد شد. پس الزاماً باید:

$$v < \sum_{i=1}^m v_i$$

باشد. در این حالت نرخ بهره از قبل مشخص شده و برای حالت ساده‌ای که توزیع اقساط به صورت مقادیر و زمان‌های مساوی پرداخت شود در طول دوره برابر خواهد بود.

$$r = \frac{\sum_{i=1}^m v_i - v}{2v}$$

این ملاحظات در مورد انواع فروش اقساطی مطرح در آئین‌نامه اجرایی عملیات بانکداری بدون ربا شامل تأمین سرمایه در گردش ماشین‌آلات، کالاهای مصرفی، وسایل حمل و نقل، تأسیسات و مسکن می‌شود. باید اضافه نمود در این تحلیل فرض ضمنی بر این بود که اقتصاد دچار تورم قیمت نیست. ولی اگر تورم مد نظر باشد و نرخ r اگر مساوی نرخ تورم باشد بحث از لحاظ موضوعی متفاوت می‌شود. ولی باید اضافه نمود که نرخ تورم به صورت قطعی (Deterministic) قابل پیش‌بینی نیست و بطور احتمالی (Probabilistic) توسط روش‌های اقتصادسنجی قابل پیش‌بینی است و علی‌الاصول پیش‌بینی‌ها نمی‌تواند هنگام عقد قرارداد مأخذ قرار گیرد چه که یک عامل از عوامل گوناگون داخلی و خارجی متأثر بر نرخ تورم اگر تغییر کند نرخ واقعی در آینده با پیش‌بینی انجام شده فاصله خواهد گرفت و مابه‌التفاوت مجدداً در حریم ربا وارد می‌شود.

اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک عقد اجاره‌ای است که مستأجر در پایان مدت اجاره عین مستأجره را مالک می‌شود. بر اساس توضیحات داده شده این عقد نیز داخل در حریم ربا می‌شود. زیرا نرخ بهره را از قبل می‌توان محاسبه کرد. برای مثال بانک از محل منابع خود کالای بادوامی را به مبلغ v ریال خریداری می‌نماید و مستأجر با اجاره آن مبلغ m قسط اجاره v_1, \dots, v_m را در تاریخ‌های مقرر به بانک پرداخت می‌کند همانند حالت فروش اقساطی اگر کل ارزش کالای مورد اجاره مساوی ارزش کل اقساط اجاره‌ها باشد بانک متضرر می‌گردد. پس باید ارزش مستأجره کمتر از جمع کل اجاره‌ها باشد. اگر چنین باشد مجدداً نرخ بهره بر اساس فرمول فوق به راحتی محاسبه می‌شود. پس اجاره به شرط تملیک نیز از مصادیق معاملات ربوی می‌باشد و وارد در حریم رباست.

جعاله

جعاله به معنای التزام جاعل (کارفرما) به ادای اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عمل معین توسط عامل (پیمانکار) می‌باشد. در عقد جعاله بانک می‌تواند هم جاعل و هم عامل باشد و در صورتی که در این عقد نرخ بهره مشخص و شرط نشود وارد به حریم ربا نمی‌گردد.

مزارعه

در عقد مزارعه، مزارع زمین مشخصی را برای زمان مشخص به عامل می‌دهد تا زراعت کند و حاصل بین مزارع و عامل تقسیم گردد. این عقد نیز خارج از حریم ربا قرار دارد و شرط اصلی آن تسهیم سود حاصل از زراعت است و نباید نرخ بازده یا بهره از قبل مشخص گردد. توسط این عقد بانک‌ها می‌توانند زمین‌های مزروعی را خریداری و در اختیار مزارع قرار دهند.

مساقات

عقد مساقات بین صاحبان درخت و مشابهات آن با عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می‌شود. این عقد نیز با رعایت شرط عمومی عدم تعیین و شرط نکردن نرخ بهره غیرربوی است.

خرید دین

مدیریت بدهی‌ها یکی از ابزارهای بسیار کارآمد مالی در غرب به شمار می‌رود. وقتی تنوع نرخ‌های بهره در اقتصاد زیاد باشد از این ابزار می‌توان استفاده‌های زیادی نمود. نوع ساده از ابزارهای مالی مدیریت بدهی‌ها خرید دین می‌باشد که به تنزیل اسناد و اوراق بهادار نیز شهرت دارد. این روش در حال حاضر نیز در ایران رایج است و چنانچه این عمل بر مبنای تنزیل سفته‌های خریدار کالا صورت گیرد شبیه به عقد فروش اقساطی

خواهد شد و همانطور که گفته شد ماهیت ربوی دارد. همینطور چنانچه عملیات تنزیل بدون توجه به خرید کالا و فقط با تنزیل اوراق و اسناد بهادار صورت گیرد ربوی تلقی می‌شود.

ربح مرکب

یکی از پدیده‌های قابل مشاهده در نظام بانکداری فعلی ربح مرکب یا گرفتن ربا از ربا می‌باشد. به عبارت دیگر در نظام فعلی به فردی با نرخ بهره ۲۴٪ تسهیلاتی اعطا می‌شود چنانچه وی در سررسید مقرر موفق به پرداخت دین نشد نرخ بهره‌ای که باید بپردازد به ۳۰٪ = ۲۴٪ + ۶٪ افزایش می‌یابد. این ۶٪ به نام جریمه تأخیر تأدیه اخذ می‌شود ولی در اصل ربح مرکب است یعنی همان چیزی که در قرآن به **لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً**^{۲۶} آمده است. البته از لحاظ اصولی جریمه تأخیر تأدیه در مورد دین می‌تواند صحیح باشد بطور مثال کسی که وامی می‌گیرد تا ساختمانی بسازد یا وام می‌گیرد تا منزلی بخرد در واقع از این پول سود می‌برد و کاملاً منطقی است که سهمی از این سود را به وام دهنده بپردازد. این سهم ممکن است صدی چند از فایده باشد و یا این که در اول کار به صورت عقد صلح این سهم به مبلغ مقطوعی یا صدی چند مقطوعی از سرمایه مورد توافق قرار گیرد. زیرا حقوقی را که هنوز تحقق نیافته است نیز می‌توان مورد عقد صلح قرار داد. به این طریق در این حالت روابط وام‌دهنده و وام‌گیرنده ترکیبی از مقررات فی‌المثل عقد مضاربه و عقد صلح است.^{۲۷} ولی در حالتی که فقط وام به قصد ربا داده شده و وام‌گیرنده در تأدیه تأخیر نموده شرایط جدیدی پیش می‌آید. اگر وام‌گیرنده وام را برای سرمایه‌گذاری مصرف کرده ولی نتوانسته است سرمایه‌گذاری را به انجام برساند بطور خودکار وام وی مصرفی تلقی می‌شود و لذا اخذ مازاد از وام‌گیرنده حرام است. از طرف دیگر چنانچه وام‌دهند با عقود شرعی به نحوی در فعالیت اقتصادی با وام‌گیرنده شریک است باید در سود و زیان با وی شریک باشد. در مثالی که ذکر شد نرخ اضافه مضاعف یعنی ربح مرکب قابل محاسبه است. فرض کنید برای ۱۰۰ ریال وام با نرخ بهره ۲۴٪ (متداول) و ۶٪ جریمه تأخیر تأدیه (که عملاً دریافت می‌شود) نرخ بهره ۶٪ به معنی اضافه مضاعف (حتی کمی بیشتر به میزان ۰/۲۴٪ = ۵/۷۶٪ - ۶٪) است. یعنی:

$$0.06 \times 1.24 = 0.0744 \text{ (یا } 7.44\% \text{)}$$

اجاره

یکی از مواردی که صاحبان سرمایه می‌توانند از آن استفاده نمایند اجاره است. این عقد به تصریح در بانکداری بدون ربا مطرح نیست ولی در عقود مختلف بطور ضمنی مطرح می‌باشد. به عبارت دیگر بانک می‌تواند با سرمایه‌گذاری خود در خرید ساختمان، زمین، ماشین‌آلات بادوام و سایر کالاهای بادوام آنها را اِبتیاع و در اختیار دیگران درازاء دریافت اجاره قرار دهد. در این حالت بانک مؤجر است و مستأجره متعلق به بانک و مستأجر هر شخصیت حقیقی یا حقوقی می‌باشد و اجاره دریافتی غیرربوی است.

^{۲۶} - سوره آل عمران، آیه ۱۳۰، ربا را به اضافه مضاعف نخورد.

^{۲۷} - جناب آقای دکتر حاج نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه (۱۳۸۰) جریمه تأخیر تأدیه، مجموعه مقالات فقهی و اجتماعی ص ۱۱۵، انتشارات حقیقت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳- خرید و فروش اسعار خارجی

یکی از اقسام عملیات بانکی خرید و فروش ارز یا اسعار خارجی می‌باشد. همانطور که قبلاً ذکر شد تبدیل پول کشورها به یکدیگر ربوی نیست ولی در این باب یک نوع ملاحظه‌ای را باید در نظر گرفت و آن عدم استفاده از نرخ بهره و انجام معاملات مدت‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر معاملات در بازار ارز به سه دسته معاملات نقدی، معاملات آتی یا وعده‌دار و معاملات تعویضی طبقه‌بندی می‌شوند.

معاملات نقدی (Spot) معاملاتی است که تحویل و تسویه آنها در همان زمان توافق برای انجام معامله صورت می‌گیرد.

معاملات آتی یا وعده‌دار (Future) عبارت از خرید و فروش همزمان مبلغ معینی ارز با نرخ معین و تاریخ تحویل معین در آینده می‌باشد. اینگونه معاملات برای ایجاد اطمینان از نوسانات نرخ ارز در آینده و پوشش ریسک معاملات آتی و همچنین به منظور عملیات سوداگرانه و بورس بازی و تبدیلات مکرر یا آربیتراژ (Arbitrage) صورت می‌گیرد.

معاملات تعویضی (Swap) توافق برای خرید و فروش میزان مشخصی از دو ارز در برابر یکدیگر برای دو تاریخ متفاوت می‌باشد. در این معاملات می‌توان اثر پوشش ریسک و همچنین نرخ بهره را مشاهده نمود.

قراردادهای فوق هرکدام از لحاظ ربوی بودن یا نبودن ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند. قبل از اینکه وارد این بحث شویم باید نسبت به برخی نظریات و فتاوا که کشورهای مسلمان نشین را متمایز از سایر کشورها در مورد اخذ ربا می‌دانند توضیح داده شود. قول مشهور بر این است که گرفتن ربا از کافر و بالاحص کافر حربی برای مسلمان مجاز است. این حکم به نظر نمی‌رسد که مقبولیت زیادی در اجماع عقلاء داشته باشد. زیرا این مسئله به معنی برتر قراردادن مسلمانان از سایر ملل عالم است. در صورتی که در قرآن اصل و نصب و قومیت و نازیدن به پدران و مادران و ... را مایه اعتبار و افتخار و تمایز بین افراد مردم نمی‌داند و امتیاز را بر تقوا قرار می‌دهد. در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را در تبار و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست»^{۲۸}. در آیه بعدی خطاب به اعراب- که می‌تواند خطاب به ایرانیان و سایر ملل مسلمان هم باشد- می‌فرماید: «اعراب گفتند ایمان آوردیم بگو هرگز ایمان نیاورده‌اید بلکه بگوئید اسلام آوردیم و هرگز ایمان در قلب‌های شما وارد نشده»^{۲۹}. و در آیه بعدی می‌فرماید: «مؤمنین فقط کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان آورند پس هرگز در این باره شک نکردند و در راه خدا با اموال خود و جان خود جهاد کردند و آنها راستگویانند»^{۳۰}. باید انصاف داد آیا ما نیز از راستگویانیم و از ملل دیگر عالم برتریم یا همه ما نیز مشمول خطاب به اعراب هستیم یا شاید هنوز هم مشمول آن نمی‌شویم و ما نه که مسلمان تشریحی نیستیم بلکه در نحله و امت مسلمانان قرار داریم. چون اسلام تشریحی همانطور که گفته شد زمانی به وقوع می‌پیوندد

^{۲۸} - « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ».

^{۲۹} - « قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمْ يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلَيْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْءٌ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ».

^{۳۰} - « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ».

که بیعت با ولی خدا صورت گیرد و شرط بیعت^{۳۱} شرط ورود به اسلام تشریحی است و گرنه گوینده لا اله الا الله به تعبیری مسلمان است و جان و مال و ناموس وی نیز ایمن از هرگونه تعرض می‌باشد و با استناد به این آیه که هیچ چیزی در عالم نیست که به تسبیح و ستایش خدا مشغول نباشد^{۳۲} نمی‌توان به مال کسی تعرض نمود و اموال او را باستناد به اینکه وی کافر است به باطل خورد. مسلمان نمی‌تواند باستناد اینگونه فتاوا از دیگر ملل عالم ربا بگیرد. از طرفی هیچیک از ملل عالم خود را کافر معرفی نمی‌کنند بلکه همه به نحوی از انحا خود را از امت انبیاء سلف می‌دانند.

معاملات نقدی ارزی ماهیت ربوی ندارد. معاملات وعده‌دار در قالب قراردادهای مختلفی صورت می‌گیرد. در قراردادهای سلف (Forward) ارز دو طرف با توافق در یک نرخ، زمان مبادله میزان مشخصی از دو ارز را مشخص می‌نمایند. این قرارداد ربوی نیست و بین دو طرف مشخص (Over the Counter) منعقد می‌شود. قراردادهای آتی (Future) همان قرارداد سلف است با این تفاوت که طرفین قرارداد برای هم شناخته شده نیستند و تنها از طریق بانک‌ها یا کارگزارهای فعال در بازار ارز اقدام به معامله می‌نمایند. این قرارداد گرچه به عنوان خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار می‌باشد و با معامله بر عکس (Reverse Transaction) یا تسویه نقدی (Cash Settlement) می‌تواند تسویه گردد ولی با توجه به اصل حکمت در اصول فقه مبنی بر این مصداق که این خرید و فروش‌ها برای بورس بازان که صرفاً قصد انجام معامله دارند و نه خرید ارز و سپس کالا و آربیتراژرها (Arbitrager) که از یک بازار می‌خرند و در بازار دیگر می‌فروشند و از اختلاف قیمت سود می‌برند و بعضاً پوشش‌دهندگان ریسک مورد استفاده واقع می‌شود می‌تواند به همان حکمتی که ربا حرام شد در حریم ربا قرار داشته باشد. این حکمت‌ها به طور مفصل در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) شرح داده شد و باید به آن مضامینی از جمله اکل اموال الناس بالباطل و قمار و ایجاد نوسانات ارزی را نیز اضافه نمود.

قراردادهای سواپ (Swap) همانند قرارداد سلف ارزی است با این تفاوت که خرید یا فروش یک میزان ارز خارجی در تاریخ مشخص در مقابل فروش یا خرید دوباره همان میزان ارز در زمانی دیگر در آینده با قیمت تعیین شده در تاریخ عقد قرارداد می‌باشد. این قراردادها گرچه ریسک زیادی را پوشش می‌دهند ولی به دلیل محاسبه بهره در محاسبه میزان پرداخت ارز در سررسید ماهیت ربوی پیدا می‌کنند. اگر عملیات سواپ بدون محاسبه نرخ بهره اتفاق افتد یکی از ابزارهای مالی - ارزی بسیار خوبی برای پوشش ریسک می‌باشد.

قراردادهای اختیار معامله (Option) از انواع دیگر قراردادهای وعده‌دار می‌باشد. به این ترتیب که خریدار بدون هیچ تعهدی محق می‌شود در تاریخ مشخص میزان مشخصی از یک ارز را تحت شرایط ویژه‌ای و با نرخ مشخص بخرد یا بفروشد. وی مختار است که حق خود را عملی کند یا نکند اما فروشنده حق اختیار معامله (که غالباً بانک است) مکلف به انجام معامله است. این قراردادها به اشکال مختلف «اختیار خرید» و «اختیار فروش» منعقد می‌شود. در نوع اختیار خرید، خریدار حق خرید میزان مشخصی از یک ارز را در یک زمان مشخصی در آینده و با نرخ معین دارد و در نوع اختیار فروش خریدار حق فروش مقدار ارز معینی را در

^{۳۱} - در آیه ۱۲ سوره ممتحنه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، و در آیه ۱۰ سوره فتح: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ إِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» درباره بیعت با زنان و مردان به صراحت می‌فرماید و به وضوح پیدا است که بیعت با دست صورت می‌گیرد و عملی از اعمال و احکامی مشخص دارد که متاسفانه در بین امت اسلامی فراموش شده است.

^{۳۲} - آیه ۴۴ سوره اسراء: «... وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبَحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ...».

زمان مشخصی در آینده با نرخ مشخصی دارد. همانطور که گفته شد این حق برای دارنده اختیار معامله الزام‌آور نیست ولی برای فروشنده (Writer) آن تعهدآور است. آنچه که در معامله این قراردادها اهمیت دارد قیمت اولیه و مابه‌التفاوت نرخ اسمی قرارداد و بازاری ارز می‌باشد. این قیمت و مابه‌التفاوت مربوطه ارزش‌های واقعی (Extrinsic Value) نیستند و تابع زمان می‌باشند. به عبارت دیگر نرخ ریسک در طول زمان از مهمترین عوامل تعیین مابه‌التفاوت دو نرخ ارز و قیمت اولیه می‌باشد. اگر بین دو ارز متفاوت نرخ‌های بهره متفاوت باشد این امر نیز در تعیین قیمت اولیه و مابه‌التفاوت قرارداد اختیار معامله مؤثر خواهد بود. طول عمر اختیار معامله و نوسانات نرخ‌های ارز و انتظارات نسبت به تغییرات این نرخ‌ها در آینده از سایر عوامل مؤثر در تعیین قیمت اختیار معامله می‌باشد. در این بازار خریداران و فروشندگان اختیار معامله خرید و اختیار معامله فروش فعال هستند و کارگزاری نیز بین این گروه‌ها واسطه می‌باشند. آربیتراژرها هم همچنان در این بازار فعالند که با خرید یک اختیار معامله و فروش آن در بازار دیگر از تفاوت قیمت‌ها سود می‌برند.^{۳۳}

اگر در قراردادهای اختیار معامله نرخ بهره را برای هر دو نوع ارز مساوی فرض نماییم که عملاً کمتر محتمل است، با این قراردادها با پیش‌بینی ریسک‌های مالی ارزهای مختلف اقدام به خرید و فروش حق اختیار معامله در زمان‌های مختلف می‌نمایند. لذا گرچه می‌تواند ریسک نهایی را برای خریدار با فروشنده اصلی ارز در تاریخ سررسید، بپوشاند ولی چون این اوراق بهادار (اختیار معامله) در دست بورس بازان به گردش و معامله می‌افتد و همچنین باعث تشدید نوسانات بازار می‌شود و همانطور که ذکر شد در زمره موارد حکمی تحریم ربا قرار می‌گیرد، ربوی تلقی می‌شود. اگر نرخ‌های بهره نیز در مورد دو نرخ ارز متفاوت باشد ماهیت ربوی آن تشدید می‌گردد. مجدداً لازم به تذکر است که اختیار معامله با انتقال ریسک از خریدار به صادرکننده در معامله اول می‌تواند از لحاظ کاهش ریسک اقتصادی مثبت ارزیابی شود ولی خرید و فروش بعدی اوراق اختیار معامله در بازار منجر به عملیات سوداگری می‌شود و بدون اینکه کالا یا خدمت حقیقی مد نظر باشد نوعی بازی قمار بین بورس بازان ایجاد می‌کند.

گواهی سپرده ارزی^{۳۴}

از دیگر قراردادهای وعده‌دار گواهی سپرده ارزی می‌باشد که سند قابل معامله‌ای است که بانک منتشر می‌کند و معرف میزان سپرده ارزی صاحب آن در آن بانک است که در تاریخ مشخص در آینده به دارنده سند قابل پرداخت می‌باشد. در این سند میزان سپرده ارزی، نرخ آن، تاریخ سررسید، نرخ بهره و روش محاسبه نرخ بهره مشخص است و این سند می‌تواند بدون اطلاع ناشر در بازار دست دوم از طریق اتاقهای کارگزاری و بانک‌ها به فروش برسد. برخی از این گواهی‌ها به نام خریدار صادر می‌شود و با نام و غیرقابل معامله هستند. گواهی‌های سپرده ارزی به دلیل استعمال نرخ بهره بر آنان ماهیت ربوی دارند.

^{۳۳} - اختیار معامله گونه‌های خاص دیگری نظیر: Knock-out Option یا اختیار معامله Knock-in Option یا Average Rate Option از دو نوع Average Spot Rate Option و Average Strike Rate Option و Basket Option دارد که درباره آنها می‌توان به کتب مربوطه مراجعه نمود.

^{۳۴} - Certificate of Deposit

۴- خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار

اوراق و اسناد بهادار در بازارهای مالی در سطح جهانی بسیار متنوع و گسترده است و در اغلب بازارهای بورس اعم از داخلی یا خارجی، سنتی یا مدرن معاملات زیادی بر اوراق و اسناد بهادار مختلف صورت می‌گیرد. این اوراق شامل تضمین، چک، برات، سفته، گواهی سپرده، اوراق اختیار معامله، اوراق قرضه، سهام، قراردادهای آتی، حواله‌ها، اوراق مشارکت و ... می‌شود که هر کدام از آنها طبیعت مالی و معاملاتی خاص خود را دارا هستند. سؤال اساسی در این است که خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار از لحاظ شرعی چه وجهی دارد؟ آیا این بازارها ربوی است یا خیر؟ به طور کلی - و نه مورد اوراق و اسناد خاص - باید گفت چنانچه خرید و فروش سند یا ورقی التزام پرداخت وجه آن در سررسید را بازاء وجهی مازاد بر ارزش اسمی آن مرتبط با طول زمان سررسید بنماید به نحوی وارد در حریم ربا می‌شود. برای مثال فرض کنید اگر سفته‌ای در امروز ارزش آن ۱۰۰۰ ریال است ولی تاریخ سررسید آن در آخر سال است و به مبلغ ۹۰۰ ریال فروخته شود وارد در حریم ربا شده است. ولی اگر این سفته به مبلغ ۱۰۰۰ ریال در تاریخ سررسید فروخته شود عمل تنزیل بر آن صورت نگرفته و خرید و فروش آن منع ربوی ندارد. ملاحظات تورم نیز در این باب قبلاً ذکر شد که در شرایطی که اقتصاد تورمی باشد چون نرخ تورم به صورت قطعی قابل پیش‌بینی نیست لذا این تنزیل مبتنی بر نرخ تورم شبه‌ناک می‌باشد. چرا که نمی‌توان نرخ تورم را پیش‌بینی نمود و متغیرهای زیادی می‌توانند نرخ تورم را تحت تأثیر قرار دهند که ممکن است هنگام پیش‌بینی نرخ تورم مد نظر اقتصادسنج قرار نگرفته باشد. خرید و فروش باقی اوراق نیز در همین راستا قرار می‌گیرد. برای مثال خرید و فروش سهام از لحاظ فقهی اشکال ندارد ولی نمی‌توان سهامی را به ارزش بازاری ۱۰۰۰ ریال از فرد دیگری به قیمت مثلاً ۹۰۰ ریال خریداری کرد که در پایان سال مبلغ ۹۰۰ ریال به فروشنده پرداخت نمود، عمل اخیر ورود به حریم رباست. به عبارت دیگر خرید و فروش نقدی اسناد و اوراق بهادار طبیعتاً ربوی نیست ولی خرید و فروش این اوراق با درج زمان سررسید و تنزیل آن وارد حریم ربا می‌شود. باید اضافه نمود که اوراق و اسنادی که فی‌النبسه سررسید زمانی دارند همانند اوراق اختیار معامله، گواهی سپرده، قراردادهای آتی چه ارزی و چه ریالی همگی مشکل اساسی ورود به حریم ربا را ذاتاً شامل می‌شوند چه برسد به معامله ثانویه و تنزیل آن که اضعاف ربا را مضاعف می‌نماید.

باید دقت نمود که خرید و فروش سهام متفاوت از خرید و فروش اوراق بهادار است. سهام به عنوان نماینده‌ای از یک فعالیت اقتصادی است. در صورتی که اوراق بهادار فقط نمایندگی ارزش یک دارائی را حمل می‌نماید. لذا خرید و فروش سهام به معنی شرکت در عملیات تولید ارزش افزوده - به معنای حساب‌های ملی کلمه - است و ماهیت ربوی ندارد.

۵- خرید و فروش طلا و نقره و سایر فلزات گرانبها

خرید و فروش فلزات گرانبها بالاخص طلا و نقره در فقه در مبحث بیع صرف آورده می‌شود. در بیع صرف معامله طلا با طلا، نقره به نقره به مازاد ربوی است. چون هر دو همجنس و مکمل و موزون هستند. راه‌های حيله‌ای هم برای فرار از ربوی بودن اینگونه معاملات ذکر می‌شود که همانطور که در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) ذکر شد حيله‌های شرعی همگی ناصحیح و ناصوابند. برای مثال ضم ضمیمه غیرجنس خود باعث خروج معامله صرف ربوی از ربا می‌شود. ولی عقل باز حکم می‌کند که حيله ضم ضمیمه غیرجنس ناصواب

است. برای مثال معاوضه یک تن طلا با ۱/۲ تن طلا به علاوه یک مثقال نقره گرچه از لحاظ جنس بودن به دلیل ضم ضمیمه نقره که همجنس طلا نیست آن را از حریم ربا خارج می‌نماید ولی قابل پسند عقل و صدق نیست و حيله است.

البته بانکها در معاملات صرف به شکل سنتی عمل نمی‌کنند یعنی فلزات با عیار مختلف را با یکدیگر معاوضه نمی‌کنند بلکه با خرید و فروش آنها ترکیب و میزان ذخایر خود را تغییر می‌دهند یا به نحوی سیاست‌های تأثیر بر قیمت فلزات در بازار را دنبال می‌کنند و یا منابع مالی خود را به این طریق آزاد می‌نمایند. به هرحال معاملات صرفی در زمان حاضر رایج نیست. خرید و فروش فلزات گرانبها به شرط عدم ورود زمان و تنزیل نرخ آن به دلیل ملاحظات زمانی از لحاظ فقهی دچار اشکال نیست ولی اجاره دادن آن به دلیل اینکه ملاحظه زمان را مشمول می‌نماید می‌تواند محل تردید باشد. برای مثال اجاره دادن ۱۰۰ گرم طلا و اخذ ۱۰۰ گرم طلا به علاوه ۱۰۰/۰۰۰ ریال در پایان سال به عنوان اصل و اجاره می‌تواند شبهه ربا را تقویت کند. چرا که اگر ۱۰۰ گرم طلا برای زرگری داده می‌شد یعنی به مضاربه یا نوعی مشارکت رفته بود پس نرخ ۱۰۰/۰۰۰ ریال ثابت دریافتی نرخ بهره را از پیش تعیین می‌نماید و ربوی است و اگر به عنوان سرمایه به غیرزرگر داده شده بود باز با محاسبه ارزش ریالی روز آن و نسبت ۱۰۰/۰۰۰ ریال به آن نرخ بهره از پیش قابل تعیین و محاسبه می‌شد که در هر صورت وارد حریم ربا می‌شود.

۶- دریافت و پرداخت حوالات

عملیات دریافت و پرداخت (یا صندوق) یا بطور کلی تر حوالات از عملیات بسیار مهم شعب بانکها است. این عملیات سهم اعظم فعالیت بانکها را روزانه به خود اختصاص می‌دهد و شامل دریافت وجوه واریز آن به حسابهای مورد نظر پرداخت‌کننده و یا پرداخت به افراد از حسابهای مورد نظر یا حواله از حسابی به حسابی دیگر چه ریالی و چه ارزی و چه شهری و چه بین‌شهری و چه بین‌المللی اعم از بانکی یا بین‌بانکی و بسیاری از عملیات مشابه که در این ردیف عملیات بانکی قرار می‌گیرند، می‌باشد. در این عملیات بانکها بدون هیچ مشکلی می‌توانند کارمزد دریافت کنند. همانطور که ذکر آن رفت کارمزد عبارت از هزینه خدمت ارائه شده به مشتری است و علی‌الاصول نباید با کم و زیاد شدن مبالغ حواله‌ها یا دریافت و پرداختها زیاد شود مگر اینکه بزرگی رقم باعث افزایش هزینه بانک در انجام خدمت مربوطه شود. و همانطور که تصریح شد این موضوع بایست مستدل توسط بانک اثبات شود. به عبارت دیگر بانک نباید برای مثال کارمزد حوالات خود را بر اساس ۲٪ رقم حواله دریافت کند بلکه باید مثلاً رقم ۲۰۰۰ ریال را برای حواله نوع مشخصی بستاند. رعایت این ملاحظات کارایی خدمت‌رسانی را افزایش می‌دهد و وظیفه بانک اخذ مالیات و باج یا خراج نیست و باید بر اساس خدمتی که ارائه می‌دهد جبران خدمت شود. موارد خاص باید قبلاً تصریح و تعریف شوند که بانک بتواند متناسب با رقم اسمی حواله کارمزد دریافت کند.

یکی از منافع عملیات دریافت و پرداخت و حواله برای بانکها استفاده از این منابع در حین انجام عملیات انتقال است. این انتفاع در بانکداری فعلی بسیار رایج است و در بانکداری بین‌المللی حتی از مبالغ مانده در انتهای روز در شب (Overnight Withdrawal Deposit) نیز استفاده می‌شود و آنها را برای استفاده در ساعات تعطیلی بانک به بانک دیگر منتقل می‌نمایند. به عبارت دیگر مانده حوالات به عنوان سرمایه گردش همواره به منابع بانک اضافه می‌شود. این عمل از لحاظ اینکه منابع بانک را اضافه می‌نماید مفید به حال بانکها است

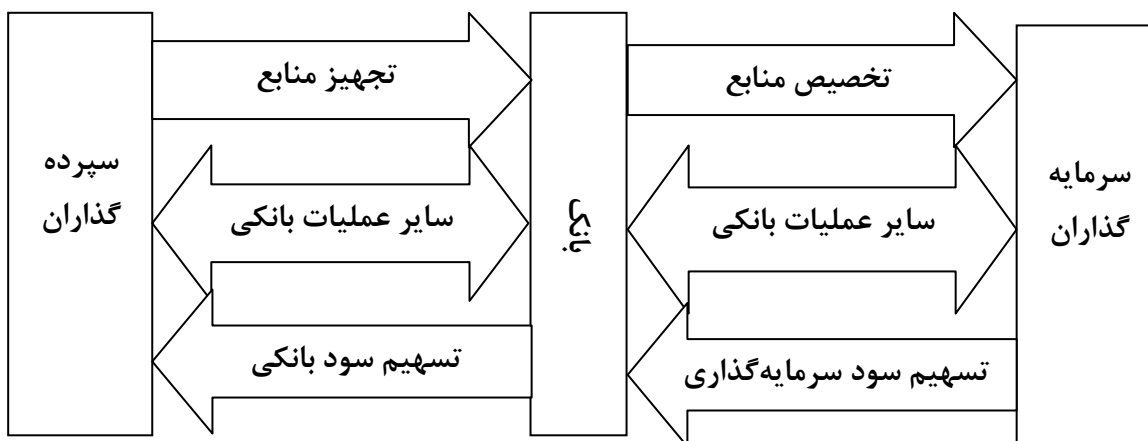
ولی چون میل بانک به طولانی‌تر شدن زمان تسویه نقل و انتقالات مالی می‌باشد لزوماً در تضاد با کارایی سیستم بانکی خواهد بود. از لحاظ جایگزینی این امتیاز یعنی استفاده از منابع موقت ایجاد شده توسط بانک به جای کارمزد مشخص چون می‌توان نرخ بهره‌ای برای این منبع محاسبه و مشخص نمود ماهیت ربوی می‌یابد. به عبارت دیگر نرخ کارمزد منتسب به آن خدمت را بر متوسط ارزش اسمی هر انتقال تقسیم و در نسبت تعداد روزهای سال به تعداد روزهایی که بانک از آن منابع استفاده می‌کند تقسیم کنیم نرخ بهره‌ای بدست می‌آید. که چون از قبل مشخص می‌شود این عمل را در حریم ربا وارد می‌نماید. اگر سپرده‌گذاران در کل سود بانک سهیم باشند این مسئله از بین خواهد رفت. به این موضوع در بخش بعدی خواهیم پرداخت. باید متذکر شد که این تحلیل فقط در این بحث مصداق می‌یابد که به جای دریافت کارمزد، منبع مالی جدید (پول پرداختی برای حواله) را در روزهای انجام عملیات نقل و انتقال بانکی در اختیار بانک قرار دهیم. در این حالت است که مصداق ربا پیدا می‌شود. ولی در حالتی که کارمزدی برای خدمت نقل و انتقال دریافت می‌شود جبران خدمات بانک تلقی می‌گردد.

۷- عملیات اعتباری بانکی

گونه‌های مختلفی از عملیات اعتباری بانکی در بانک‌ها رایج است. اعطای تسهیلات بطور کلی عملیات اعتباری بانکی است که به انحاء مختلف و با تضمین‌های مختلف صورت می‌گیرد. همه این عملیات در قالب‌های اعطای تسهیلات قابل بررسی می‌باشند ولی نوعی از این عملیات اعتباری بیشتر مدنظر این بخش از مقاله است که به مشتریان پرمعامله و خوش حساب اعطا می‌شود. به عبارت دیگر این اعتبار به صاحبان حساب‌های جاری داده می‌شود و با این اعتبار مشتریان می‌توانند بیش از موجودی حساب جاری خود از بانک پول برداشت نمایند. در نظام‌های بانکی بازا این برداشت بیشتر مبلغ بهره براساس زمان و میزان برداشت محاسبه و مشتری بدهکار می‌گردد. این ترتیب استفاده از اعتبار حساب جاری ماهیت ربوی دارد.

شرکت سهامی بانک غیررئوی

فارغ از اینکه بانک دولتی باشد یا خصوصی و آیا فعالیت بانکی در مجموع در یک حکومت چه اسلامی و چه غیراسلامی باید در اختیار حکومت باشد یا نه به بحث در مورد نظام بانکی با مشخصات ویژه‌ای خواهیم پرداخت که معیارهای عدم ربا را ملحوظ دارد. به عبارت دیگر هدف ما در این بخش تعریف بانکی است که غیررئوی باشد و بتواند عملاً از عهده وظایف یک واسطه مالی هم برآید. به نمودار زیر توجه نمایید. در این نمودار سپرده‌گذاران با مقاصد مختلف سپرده‌های خود را نزد بانک می‌گذارند و بانک نیز با سرمایه‌گذارانی طرف است که در بخش‌های مختلف اقتصاد فعال هستند. سایر عملیات بانکی نیز در زمره فعالیت‌های بانک تصریح می‌شوند.



وظیفه بانک نسبت به سپرده گذاران تجهیز منابع از آنها و نسبت به سرمایه گذاران تخصیص منابع به آنها می باشد. حال بانکی را در نظر بگیرید که همانند یک شرکت بین سپرده گذاران تأسیس می شود. به عبارت دیگر بانک را یک شرکت سهامی در نظر بگیرید که صاحبان سرمایه آن سپرده گذاران هستند و هر سپرده گذار به نسبت سپرده روزانه خود در سرمایه بانک شریک است. سرمایه کل بانک برابر است با مجموع سپرده های بانک به نسبت تعداد روزهایی که هر سپرده گذار سپرده خود را در بانک نگهداشته است. تعداد سهام این شرکت سهامی بانکی را برابر تعداد روزهایی که ارزش هر واحد سهام در بانک نگهداشته می شود فرض کنید. اگر چنین بانکی یک شرکت سهامی در نظر گرفته شود کلیه سهام داران مالک و صاحبان سرمایه این بانک خواهند بود و متناسب با سرمایه های خود که سپرده آنها است از بانک سود می برند. محاسن این نحوه شراکت از لحاظ سپرده گذاری از قرار ذیل است:

- اگر چنین بانکی تعریف شود توزیع سود سهام بین سهام داران متناسب و عادلانه خواهد بود و تمام تمایزات بین سپرده های کوتاه مدت و مدت دار و پس انداز و دیداری از لحاظ دریافت سود از بین خواهد رفت.
 - این نوع سپرده گذاری سهامی شدن در سود بانک است و خود نوعی مضاربه و مشارکت اقتصادی تلقی می شود که نه تنها ربا نیست بلکه از لحاظ شرعی بسیار ممدوح نیز می باشد.
 - نرخ های سود سپرده ها همگی به یک نرخ تنزل می یابد و شفافیت و کارائی عملیات بانکی را افزایش می دهد.
 - تمایزی بین سپرده های مختلف دیداری، پس انداز و مدت دار در شرکت سهامی بانک غیررئوی وجود ندارد همانطور که ذکر شد همگی سهام شرکت مزبور می باشند.
 - مشارکت هر شخصیت حقیقی یا حقوقی اعم از دولت یا بخش خصوصی می تواند با خرید سهام این شرکت یا به عبارت دیگر سپرده گذاری در این شرکت صورت پذیرد.
 - این شرکت بانکی از لحاظ تجهیز منابع نه تنها مشکلی نخواهد داشت بلکه به دلیل بازدهی بالای آن و توزیع عادلانه سود از بانک های فعلی نیز کارآتر خواهد بود.
- ماهیت مالکیت این بانک می تواند هم دولتی و هم خصوصی و هم ترکیبی از هر دو آنها باشد. تعداد سهام براساس ارزش هر سهم به شکل زیر قابل محاسبه است:

m تعداد افراد سپرده‌گذار

D_i سپرده فرد i

t_i مدت زمان سپرده‌گذاری در سال مزبور

$\frac{D_i}{q} \times t_i$ تعداد سهم فرد i

$n = \frac{1}{q} \sum_{i=1}^m D_i t_i$ کل تعداد سهام بانک

کل درآمد بانک (R) به عنوان یک بنگاه اقتصادی منهای هزینه‌اش (C) سود بانک (π) را مشخص می‌کند:

$$\pi = R - C$$

سود هر سهم (r) از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$r = \frac{q\pi}{\sum_{i=1}^n D_i t_i}$$

پرداختی به هر فرد بابت سود سهام π_i از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\pi_i = \frac{r D_i t_i}{q}$$

که به موجودی سپرده اول سال بعد سهامدار اضافه می‌گردد یا به وی پرداخت می‌شود. در عملیات بانکداری بدون ربا بررسی نمودیم که با تعریف مشخص ربا علی‌الاصول کدام یک از عقود فعلی در اعطای تسهیلات ربوی می‌باشند. برای اینکه شرکت سهامی بانک غیرربوی کاملاً غیرربوی عمل کند و در حریم ربا وارد نشود مشخصاً باید فقط از طریق عملیات زیر اقدام به اعطای تسهیلات نماید. این عقود به شرح زیر می‌باشند:

- وام نیک (با مشروح توضیحاتی که در مورد آن داده شد- وام بدون بهره).
 - مشارکت مدنی (به شرطی که نرخ بازده انتظاری شراکت از قبل مشخص نشود).
 - مشارکت حقوقی (تأمین بخشی از سرمایه سایر شرکت‌های سهامی یا بانک‌های سهامی غیرربوی دیگر).
 - سرمایه‌گذاری مستقیم (تأمین سرمایه پروژه‌های اقتصادی).
 - مضاربه (به شرطی که نرخ بهره از پیش شرط و معین نشود).
 - معاملات سلف (به شرطی که قیمت کالا در زمان تحویل از قبل معین و شرط نشود).
 - جعاله (به شرطی که نرخ بهره از قبل معین و شرط نشود).
 - مزارعه (به شرطی که نرخ بازده از قبل معین و شرط نشود).
 - مساقات (به شرطی که نرخ بازده از قبل معین و شرط نشود).
 - اجاره (همانند کالاهای بادوام، زمین، ساختمان، ماشین‌آلات).
- عقود و موارد زیر در حریم ربا واردند:
- فروش اقساطی.
 - اجاره به شرط تملیک.
 - خرید و فروش دین.
 - ربح مرکب (براساس توضیحاتی که داده شد).

همانطور که ملاحظه می‌شود عملیات عمده بانکداری بدون ربا پس از تصریح شرط عمومی عدم تعیین و مشخص نمودن نرخ بهره از قبل در اعداد عملیات مشروع بانکداری آورده شده‌اند و فقط معدودی از عملیات بانکی به دلیل ربوی بودن حذف شده‌اند.

یکی از علل عدم موفقیت عملیات بانکی بدون ربا و صوری بودن این عملیات را می‌توان بازار مالی ضعیف و متناسب با عملیات بانکی بدون ربا در کشور قلمداد نمود. چنانچه یک بازار مالی متناسب با عملیات بانکداری ربا در کنار بانکداری بدون ربا وجود داشته باشد قوانین و بسترهای حقوقی برای ارتباط فعالیت‌های اقتصادی به دو بازار مالی و پولی ایجاد شود می‌توان بهتر بانکداری بدون ربا را به مقصد خود نزدیک کرد. برای موفقیت شرکت سهامی بانک غیرربوی نیز باید چنین تمهیداتی فراهم نمود. بطور مثال باید بانک به راحتی بتواند در تأمین منابع مالی و سرمایه پروژه‌های اقتصادی، یا مشارکت‌های حقوقی و مدنی یا سایر عقود مضاربه، جعاله، مزارعه، مساقات به راحتی شرکت کند. برای این منظور باید ترتیبات حقوقی خاصی ایجاد شود. تا علاقه‌مندان به این عقود در بازار مالی متشکل همانند بورس اوراق بهادار وارد شوند و از آن طریق تنظیمات، نظارت و ترتیبات بورس مزبور آنها را برای استفاده از تمهیدات و منابع مالی بانک آماده نماید و بانک با طیب خاطر به این فعالان اقتصادی در چهارچوب غیرربوی وام دهد. اعطای تسهیلات بنابر ویژگی‌های مطرح شده در فوق بنابر عقود غیرربوی ذکر شده می‌تواند تخصیص منابع شرکت سهامی بانک غیرربوی را کامل نماید.

عملیات خرید و فروش اسعار خارجی در شرکت سهامی بانک غیرربوی براساس ملاحظاتی که در بخش قبل ذکر شد در فعالیت‌های زیر قابل قبول و غیرربوی است:

- معاملات نقدی (Spot) (تبدیل اسعار خارجی به یکدیگر).
- معاملات تعویضی (Swap) (به شرط اینکه نرخ بهره در محاسبه نرخ تبدیل بکار گرفته نشود).
- اوراق اختیار معامله (Option) (به شرط اینکه نرخ بهره در مورد دو ارز مورد نظر یکسان باشد).
- گشایش اعتبار اسنادی (Letter of Credit)

معاملات زیر در حریم ربا واقع می‌شوند:

- معاملات آتی یا وعده‌دار (Future).
- معاملات تعویضی (Swap).
- اوراق اختیار معامله (Option).
- گواهی سپرده ارزی.

خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار در شرکت سهامی بانک غیرربوی همانطور که ذکر شد مشمول این قاعده است که عملیات خرید و فروش نباید متضمن زمان و مرتکب تنزیل به دلیل زمان شود. این قاعده کلی در قالب اوراق بهادار قابل تعمیم است. شرح بیشتر این موضوع در قبل آمد و همانطور که گفته شد کلیه اوراق بهاداری که به نحوی متضمن زمان هستند و فی‌النفسه سررسید زمانی دارند همانند اوراق اختیار معامله، گواهی سپرده، قراردادهای آتی چه ارزی و ریالی همگی به حریم ربا وارد می‌شوند.

معاملات صرف و خرید و فروش فلزات گرانبها در قبال وجه ریالی آنها دچار اشکال نیست ولی اجاره دادن یا اجاره گرفتن آنها وارد حریم ربا می‌شود ولی مشارکت با زرگر و بدون مشخص کردن نرخ اجاره وارد در حریم ربا نخواهد بود.

عملیات دریافت و پرداخت حوالجات بدون هیچ مشکلی در شرکت سهامی بانک غیررئوی قابل انجام است و همانطور که ذکر شد بایست بر مبنای کارمزد باشد و مشخصاً ذکر شد که خصوصیات کارمزد چیست و علی القاعده نباید با مبلغ اسمی عملیات دریافت و پرداخت و یا حواله‌ها متناسب باشد. موارد خاصی باید قبلاً تعریف و مشخص شوند.

منابع عملیات دریافت و پرداخت و حواله‌ها می‌تواند از منابع آزاد بانک تلقی شود. این منابع همانطور که ذکر شد چنانچه کارمزدی برای خدمات احتساب کنیم و از آن صرف نظر نماییم و در عوض از منابع جدید ایجاد شده به عنوان منابع آزاد بانک استفاده نماییم به نحوی وارد حریم ربا شده‌ایم. به این ترتیب اگر بانک شرکت سهامی باشد به دلیل اینکه سپرده‌گذاران بر اساس میزان منبع آزاد ایجاد کرده در سود بانک شریک هستند دیگر ماهیت اخذ ربا برای سپرده‌گذاران پیدا نمی‌شود. در این حالت فرض بر این است که درآمد بانک از طریق تخصیص منابع غیررئوی عمل می‌کند.

عملیات اعتباری بانکی از جمله عملیات قابل تسری به شرکت سهامی بانک غیررئوی می‌باشد. فرض کنید بانک می‌خواهد به مشتری خود براساس میزان سپرده‌ای که قبلاً سپرده‌گذاری کرده بود اعتبار دهد. سؤال این است که نرخ بهره‌ای که باید براساس آن اعتبار داده شده را تسویه نماید چه باید باشد تا دچار ربا نشود؟ فرض کنید یک مشتری مبلغ A ریال به مدت t ماه (کمتر از ۱۲ ماه) در حساب خود در شرکت سهامی بانک غیررئوی سپرده‌گذاری کرده است و هنوز زمان تسویه حساب و پرداخت سود سهام به سپرده‌گذاران نرسیده یا به عبارت دیگر سال مالی به پایان نرسیده است. مشتری قصد دارد مبلغ B ریال به مدت s ماه علاوه بر سپرده خود از بانک اعتبار دریافت کند شرایط زیر را می‌توانیم بررسی کنیم. اگر داشته باشیم:

$$A \times t = B \times s$$

بانک نباید بهره سپرده به سپرده‌گذار پرداخت نماید. اگر رابطه فوق به شکل زیر باشد:

$$A \times t > B \times s$$

بانک بایست با محاسبه نرخ سود سهام براساس سپرده‌ها (r) مقدار بهره زیر را به مشتری بپردازد:

$$(A \times t - B \times s) \times r$$

اگر رابطه مندرج در فوق به شکل زیر باشد:

$$A \times t < B \times s$$

بانک باید مقدار زیر را از مشتری دریافت نماید:

$$B \times s - A \times t$$

شرکت سهامی بانک غیررئوی از لحاظ اجرایی باید طبق اساسنامه آن زیر نظر هیأت مدیره و بر اساس مصوبات مجمع شرکت و با آراء سهامداران مدیریت شود و از لحاظ ضوابط و قوانین پولی و ارزی تحت نظارت بانک مرکزی باشد.

کلیات عملیات اجرایی و حقوقی این شرکت سهامی با مفاد قانون تجارت قابل تطبیق است ولی چنانچه این طرح پذیرفته شود همراه با اصلاحات و تدوین مجدد قانون تجارت و قانون بانکداری بدون ربا و آئین‌نامه‌های اجرایی آن می‌توان این گونه اصلاحات را نیز در این راستا وارد نمود.

تأسیس شرکت سهامی بانک غیررئوی می‌تواند توسط دولت یا بخش خصوصی یا به طور مشترک اتفاق افتد و براساس اساسنامه می‌توان سهام ممتاز و سهام عادی را نیز برای مؤسسين تعریف نمود که البته اگر این

امتیازات در نظر گرفته نشود و مؤسسين از حقوق مدیریت و کارفرمایی خود بهره‌مند شوند و سود سهام عادی دریافت کنند به کارایی جذب و تجهیز منابع و عدالت نزدیک‌تر خواهد بود. این بانک همانطور که ذکر شد می‌تواند در سه نوع زیر طبقه‌بندی شود:

- شرکت سهامی بانک غیررئوی خصوصی.
- شرکت سهامی بانک غیررئوی دولتی.
- شرکت سهامی بانک غیررئوی مختلط.

در دو مورد اول اعطای «وام نیک» یا تسهیلات بدون بهره از لحاظ اقتصادی توجیه ندارد ولی در دو نوع آخر می‌توان اعطای «وام نیک» که در متن قانون بانکداری بدون ربا از آن به عنوان تسهیلات قرض‌الحسنه یاد شده سخن به میان آورد. اصولاً «وام نیک» به هیچ طریقی نباید متضمن بهره باشد این وام قاعداً باید وام‌های مصرفی را مشتمل شود اگر کل سهام بانک متعلق به دولت باشد. بانک با اعطای وام بدون بهره (وام نیک) متقاضیان وام‌های مصرفی را پوشش می‌دهد. همانطور که گفته شد گونه‌های مشخصی از موارد مستحق دریافت اینگونه تسهیلات در قانون بانکداری بدون ربا مشخص شده است.

اگر شرکت سهامی بانک غیررئوی به صورت مختلط بود یعنی هم دولت و هم بخش خصوصی در آن سهام بودند، دولت باید متناسب با میزان وامی که به صورت «وام نیک» برای متقاضیان تسهیلات مصرفی می‌پردازد از سود سهام خود کسر نماید. به عبارت دیگر فرض کنید:

D_g سپرده دولت

t_g مدت زمان سپرده‌گذاری دولت در سال مورد نظر

q ارزش اسمی هر سهم

m تعداد افراد سپرده‌گذار خصوصی

D_i سپرده فرد i

t_i مدت زمان سپرده‌گذاری فرد i در سال مزبور

$n_i = \frac{D_i t_i}{q}$ تعداد سهم فرد i

$n_g = \frac{D_g t_g}{q}$ تعداد سهام دولت

$n = n_i + n_g = \frac{1}{q}(D_i t_i + D_g t_g)$ کل تعداد سهام

$\pi = R - C$ سود بانک (π) حاصل تفاوت درآمد بانک (R) و هزینه بانک (C)

$r = \frac{\pi}{n} = \frac{q\pi}{D_i t_i + D_g t_g}$ سود هر سهم

L میزان وام نیک پرداختی توسط دولت

t تعداد ماه‌های پرداخت وام نیک
اگر داشته باشیم:

$$L t = D_g t_g$$

یعنی دولت کل منابع سپرده‌ای خود را به «وام نیک» تخصیص داده و پرداخت نموده است پس از تسهیم

سود چیزی نصیب نمی‌شود و سود هر سهم برابر خواهد بود با:

$$r = \frac{q\pi}{D_i t_i + D_g t_g - Lt} = \frac{q\pi}{D_i t_i}$$

اگر $L t < D_g t_g$ باشد یعنی ارزش وام نیک پرداختی کمتر از ارزش سپرده‌های دولت باشد ارزش سود هر سهم برابر خواهد بود با:

$$r = \frac{q\pi}{D_i t_i + D_g t_g - Lt}$$

و پرداختی به دولت بابت سود سهام وی برابر می‌شود با:

$$(D_g t_g - Lt) \times r$$

چنانچه $L t > D_g t_g$ باشد دولت به مقدار فوق به بانک بدهکار می‌شود که باید پرداخت نماید.

منابع

- جناب آقای دکتر حاج نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه (۱۳۸۰) جریمه تأخیر تأدیه، مجموعه مقالات فقهی و اجتماعی ص ۱۱۵، انتشارات حقیقت، چاپ اول، ۱۳۸۰. <http://www.sufism.ir>
- جناب حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۶. ترجمه محمد رضاخانی و حشمت الله ریاضی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. <http://www.sufism.ir>
- جناب حاج ملاسلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، مجمع السعادات، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران. <http://www.sufism.ir>
- بیدآباد، بیژن و عبدالرضا هرسینی (۱۳۸۲) تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. <http://www.bidabad.com>
- تفسیر مجمع البیان.
- تفسیر نمونه.
- موسایی، میثم (۱۳۷۹)، بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- والی‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۱)، مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، پژوهشکده پولی و بانکی صفحات ۲۳۵-۱۷۷.